نگاه

انتقاد روشن روان از نبود حمایت جدی از ارکسترهای نظامی

کامبیز روشن روان آهنگساز و عضو هیات داوران هفتمین جشنواره نواهای حماسی از نبود امکانات و حمایتها برای موسیقی نظامی در کشور انتقاد کرد .

به گزارش خبرنگار اعزامی همشهری به شیراز این چهره شناخته شده موسیقی کشور در سخنانی که در مراسم اختتامیه جشنواره هفتم موسیقی دفاع مقدس بیان کرد گفت : تا آنجایی که من در جریان هستم ، باید بگویم که گروههای موسیقی نظامی ما از بنیه مالی خوبی برخوردار نیستند ، از نظر اجرایی و کادر اجرایی نوازندگان هم نسبتا ضعیف هستند ، اما در سالهای قبل گروههایی نظیر ارکستر نیروی انتظامی اجراهای مناسبی را ارائه دادند . این ارکستر حتی در جشنواره هم خوب می درخشید . اما اینکه چرا امسال در جشنواره حضور نداشته بیانگر این مفهوم است که گروههای نظامی ما نیازمند حمایت جدی هستند . وی در ادامه حضور بقیه گروه ها را در جشنواره مثبت ارزیابی کرد و گفت : نسبت به جشنواره های سال های قبل ، کارها خیلی بهتر و باکیفیت بالاتری بود . خصوصا گروههای موسیقی محلی آثاری درخور را ارائه کردند . در بین آنها چهره های مستعد و خوبی دیده می شود که اگر به آنها توجه شود ، می توانند به بزرگان موسیقی ایران بدل شوند . خب باعث خوشحالی است که جشنواره نواهای حماسی بانی معرفی این چهره ها به موسیقی شده است و جای امیدواری است که با ورود این چهره های مستعد ، با سازهای مختلف به عرصه موسیقی کشور ، حرکت جدیدی در بعضی سازها در موسیقی نواحی ایران به وجود بیاید .

روشن روان در پاسخ به این شبهه که درجشنواره امسال بیشتر به شعر دفاع مقدس پرداخته شده است تا موسیقی دفاع مقدس تصریح کرد : به نظر من باید با حمایت بنیاد حفظ و نشر آثار موسیقی دفاع مقدس در طول سال آهنگسازی روی قطعات موسیقی دفاع مقدس ، انجام شود . نه اینکه منتظر باشیم تاجشنواره ای برگزار شود و ما برای آن جشنواره چند اثر دفاع مقدس ، بسازیم . باید از الان که این جشنواره به اتمام رسیده به فکر ساختن موسیقی در زمینه دفاع مقدس باشیم . این تفکر نباید تنها به موسیقی محلی ، سنتی یا مقامی ما ختم شود ، بلکه باید در موسیقی نظامی و آثار بزرگ و سمفونیک هم به آن پرداخته شود . جای این آثار واقعا در جشنواره خالی است . خصوصا اینکه آثار بزرگ موسیقی دفاع مقدس ، تاریخ مصرف ندارند و می توانند برای قرنها بمانند و این فرهنگ را جاودانه کنند و در ذهن مردم ایران و سایر کشورها باقی بمانند .

روشن روان بدون مرز بودن این گونه موسیقی را ویژگی آن دانست و افزود : سرمایه گذاری روی این گونه موسیقی ، سرمایه گذاری ارزشمندی است . اما طبیعی است که باید روی دیگر انواع موسیقی هم برنامه ریزی انجام شود .

گفت وگو با علی وظیفه دوست سازنده و نوازنده سنتور

ساز سازی در ایران تجربی است نه علمی

گفت وگو: پویا سرایی

درآمد: علی وظیفه‌دوست را در کارگاه سازسازی اش ملاقات می‌کنم... در فضایی پر از سنتورهای نیمه‌کاره، سیمهای مختلف، گوشی‌ها و مضراب‌ها... هر گوشه نشانی، از یار است... با او دست می‌دهم. مردی میانسال با دستانی گرم... دستهایی که خالق «نغمه‌ساز»های فراوانی بوده است. با او گفتگو می‌کنم... از او که یکی از زبردست‌ترین سازندگان سنتور حال حاضر ایران است، از معضلات فنی ساختاری سنتور، فضای حاکم بر این حرفه و مسائل مهم دیگری، می‌پرسم... سنتورنوازان و سنتورسازان، این گفتگو را بخوانید!...

*** آقای وظیفه دوست، از خودتان بگویید . . . از چه زمانی به حرفه سازسازی روی آوردید؟ این حرفه را از چه کسانی آموختید؟**

– من متولد سال ۱۳۳۶ تهران هستم . . . از سال ۱۳۶۲ با مرحوم مهدی ناظمی (بزرگترین سازنده سنتورهای ممتاز) آشنا شدم که همین آشنایی منجر به دوستی عمیقی بین ما شد . از طرفی شوهر خواهرم از صنعت گران و نجارهای قدیمی و چیره‌دست بود . مجموع این راهنمایی ها ، دوستی ها و حس کنجکاوی شخصی‌ام باعث شد از سال ۱۳۶۷ به طور پراکنده سازسازی کنم .

*** نوازندگی چطور؟**

– از سال ۱۳۵۸ مشغول به نوازندگی شدم . در این راه از محضر سرکار خانم نوشاد ، استاد پرویز مشکاتیان و استاد پشنگ کامکار بهره بردم .

*** با وجود اینکه ساز سنتور از پرطرفدارترین سازهای موسیقی ما به حساب می آید و روز به روز به تعداد نوازندگان و دوست داران آن افزوده می شود ، اما کمتر نوازنده‌ای از بهترین جنس چوب برای ساخت سنتور ، اطلاع دارد . بر همین اساس لطفاً توضیح مختصری در مورد بهترین چوب برای ساخت این ساز ، بفرمائید . . .**

– ببینید از نظر نوع و جنس چوبهای گردو ، آزاد و فوفل بهترین هستند . در این بین نیز نژاد چوب هم ، شرط است . برای مثال بهترین نژاد گردو ، چوب رگ‌راست فری است (که به پرطاووسی نیز شهرت دارد) و یا چوب رگ‌راست استخوانی نیز از زمره چوبهای مرغوب برای ساخت سنتور است . اما مسئله‌ای که در این میان برای انتخاب تمامی چوبها عمومیت دارد ، گره نداشتن و اصطلاحاً بد راه نبودن چوب است . از جمله چوبهای مرغوب دیگر برای ساخت سنتور ، گردوی صدفی وافری سری است ، لازم به توضیح است که هر کدام از چوبهای ذکر شده ، پرداخت ، برش و پل گذاری مخصوص به خود را دارد . در کل به نظر بنده ، مهمترین مؤلفه در تعیین صدای سنتور ، جنس چوب است .

*** آقای وظیفه دوست! به چه دلیل سازهای مشابهی که توسط سازندگان بنام ساخته می شود ، تا این حد ، با هم اختلاف قیمت دارند؟ (منظور سازهایی از سازندگان مختلف که کیفیتی کمابیش یکسان دارند) . . . چرا هیچ هیأتی بر تشتت قیمت این سازها نظارت ندارد؟ برای مثال می دانید قیمت سنتور ممتاز یک سازنده بنام ، یک میلیون و دویست هزار تومان است ، اما همان سنتور (از لحاظ کیفیت صدادهی ، جنس به کار گرفته وصنعت اعمال شده) از سازنده مشهور دیگر ، قیمتی حدود ثلث قیمت ذکر شده دارد . . . دلیل این آشفتگی را چه می دانید؟**

– به نظر بنده ، اصلی ترین علت آن در یک کلام ، فقدان یک نهاد صاحب اختیار است . بدیهی است در شرایطی که هیچ نظارتی بر نرخ سازها نیست ، قیمتها نیز بسیار متفاوت و بعضاً غیرمنطقی است . به نظر من این تشتت چندین عامل اساسی دارد : ۱- قدمت و شهرت سازنده ، که بی شک فاکتور مهمی است و اختلاف قیمت را منطقی رقم می زند ، ۲- تبلیغات کاذب برخی از سازندگان سودجو و ۳-حمایتی که از طرف برخی استادان اعمال می شود . این دو عامل آخر ، به دلیل جو کاملاً سنتی ، فرمایشی و غیرحرفه‌ای این شغل در ایران است و متأسفانه هیچ ارگانی به این معضل رسیدگی نمی کند ، . . . این سنتی بودن فضا ، نمود دیگری نیز دارد : به این شکل که ، اگر هم سازنده‌ای (حداقل در مورد سازهای ساخت خود) به این آشفتگی پایان دهد و یک نرخ ثابت برای سطحی از سازهای خود بگذارد ، با ساخت سازی بهتری ، نمی تواند آن ساز را به قیمت خود (که طبعاً از سایر سازها گرانتر است) به فروش برساند؛ درواقع نوازنده (خریدار) از لحاظ روانی چنین قضیه‌ای را قبول نمی کند! . . . در ضمن نباید فراموش کرد ، عواملی چون : شهرت سازنده و استفاده از چوبهای استثنایی و نادر (عموماً دربهای قدیمی که البته ندرتاً به چشم می خورد) می تواند قیمت سنتوری را بسیار بالاتر از نرخ عرف سنتورهای همطراز دیگر (از لحاظ صدادهی و صنعت) ببرد . یک چنین اختلاف قیمتی ، تا حدودی منطقی است . اما باید در نظر داشت تعداد این موارد ، آنقدر زیاد نیست که آشفتگی تمام بازار سنتورسازان را سبب شود! . . . مشکل همان نبود هیأت صاحب اختیار است . . .

*** آیا کانون سازندگان خانه موسیقی ، چنین نظارتی را انجام نمی دهد؟**

– . . . . تا آنجا که می دانم ، این ارگان چنین اقداماتی را در دست اعمال دارد ، اما فقط در حد حرف است و تا عمل راه بسیاری است! . . . روشن است تصویب نرخی ثابت و درجه‌بندی سازها با چنین فضای سنتی و بعضاً سودجویانه ، به این زودی ها امکان‌پذیر نیست! به نظر من ، هیأت صاحب اختیار (خواه هیأت مدیره کانون سازندگان خانه موسیقی و خواه ارگان دیگر) می بایست درجه و نرخ نهایی هر ساز را پس از ارزیابی و کارشناسی) مستقیماً به نوازندگان وخریداران ابلاغ کنند و درواقع نوازنده با آن هیأت طرف باشد و نه با فضای سنتی ساز سازی و سازندگان مختلف! . . . متأسفانه امروزه به دلیل جو نامناسب اقتصادی ، بسیاری ، در نهایت بی‌اطلاعی ساز می سازند و اتفاقاً فروش نیز می کنند! در حالی‌که صدادهی ساز امری تخصصی و به عهده کارشناس خبره است . بنده تصور می کنم یک سازنده ممتاز باید چند فاکتور مهم را دارا باشد : ۱- خودش نوازنده آن ساز باشد (هرچه نوازنده بهتر باشد و گوش دقیق تری داشته باشد ، درصد خطایش کمتر است) ۲- اطلاعات فنی قابل قبولی داشته باشد (چه از نظر تجربی و چه از نظر علمی) ، ۳- در ساختش ، در حد وسواس ، حساسیت به خرج بدهد و ۴- به خود مغرور نشود . مرحوم ناظمی تا سالهای آخر عمر خویش همیشه به من گلایه می کردند که از سازهای خود راضی نیستند . اما همه می‌دانیم ایشان یکه‌تاز این عرصه بودند . این پند ایشان ، همیشه در گوش من است و سعی می کنم خود نیز مانند ایشان باشم .

*** به عنوان یک نوازنده و سازنده سنتور ، نظرتان در مورد سنتور کروماتیک چیست؟**

– سنتور کروماتیک نساخته‌ام! . . . فقط در همین حد می‌دانم استاد ابراهیم قنبری مهر به سفارش استاد دهلوی (ارکستر مضرابی) چند نمونه از این نوع سازها ساختند که امکانات بیشتری نسبت به سنتور عادی در اختیار نوازنده است . معضل کوک آن نیز اگرچه از سنتور عادی کمتر است اما کاملاً برطرف نشده . . .

*** بعضاً دیده می شود برخی از نوازندگان ، سنتورهای سل کوک را تبدیل به لاکوک می کنند (کوک ساز را بالا می برند) آیا به نظر شما این عمل در درازمدت ضرری برای سنتور دارد یا خیر؟ . . .**

– روشن است با فشار بیشتر امکان باز شدن درز کلاف ، کاسه شدن صفحه و پاره شدن سیم ، وجود دارد . توصیه من به این هنرجویان و نوازندگان محترم این است که اگر چه با بالا رفتن کوک ساز ، صدادهی آن نیز بهتر می شود ، اما عزیزان باید بدانند این اقدام در طول زمان آسیبهای فراوان و اساسی به گوشی ها ، صفحه و چسبهای درز کلاف وارد می سازد .

*** چرا تمهیداتی که در سنتورهای برون مرزی (هکبرت آلمانی ، یانگ کین چینی و . . .) برای حفظ کوک و ساختار گوشی ها ، مورد استفاده قرار گرفته است ، در سنتور ایرانی اعمال نمی شود؟ . . . چرا عموم سازندگان ما از ساختمان این سنتورها بی اطلاعند؟**

– فراموش نکنید ساز سازی در ایران ، کاملاً تجربی است و هنوز متأسفانه علمی نشده است . اکثر اشخاصی هم که در این حرفه فعالیت می کنند ، اطلاعی از سازهای برون‌مرزی ندارند . حتی وقت تحقیق و کنکاش را ندارند! . . . همان گونه که در بالا مطرح شد ، ساز سازی ، با این اوضاع اقتصادی ، وسیله‌ایست برای امرار معاش سازنده . . . در چنین شرایطی سازنده باید چندین ماه ، تولید خود را متوقف کند و به تحقیق دراین‌باره بپردازد که عملاً چنین چیزی غیرممکن است . . . اما در پاسخ به این سؤال شما یعنی تقلید ساختار گوشی‌ها از سنتورهای برون‌مرزی ، باید بگویم چنین چیزی نیز به لحاظ فنی امکان پذیر نیست ، چون زوایای ساقین سنتورهای برون‌مرزی ، با سنتور ایرانی متفاوت است و امکان استفاده از گوشی های آن سازها ، با زوایای سنتور ایرانی ممکن نیست .

*** خوب چه اصراری بر وجود این زوایای فعلی سنتور ایرانی است؟! چرا زوایا را تغییر نمی دهید؟**

– بسیاری از اساتید فن (نه در سنتور که همه سازه اعتقادی به تغییرات در سازها (هرچند جزئی) ندارند و اگر کسی ساختارشکنی کند ، بلافاصله با برخورد دلسردکننده نامناسب اساتید روبه‌رو خواهد شد . برای مثال در همین مو خاص ، سالهاست طرح استفاده از کلید برای سنتور مثل قانو به اجرا درآمده است (برای نمونه) اما به علت همین برخوردها تند ، نمونه دیگری تولید نشده است . . .

*** شما عضو پیوسته کانون سازندگان ساز خانه موسیقی هستید؟ آینده این ارگان را برای سامان بخشیدن به این حرفه چگو می بینید؟**

– اساساً تشکیل این خانه ، قدم بسیار مثبتی بود در جه بخشیدن به فضای حاکم بر این حرفه . از جمله اقدامات درخو توجه این خانه ، بیمه کردن سازندگان عضو ، بود . بنده متأسفا به دلیل مشغله فراوان در جریان دقیق اقدامات متعدد خان موسیقی نیستم . اما می دانم هیأت مدیره برای حل معضلات ای حرفه ، در تلاش و تکاپو است . به نظر من تنها ، خانه موسیقی در آینده می تواند معضلات و مشکلات این حرفه را کاملاً مرتف نموده و فضایی علمی و بدون غرض و مرض به‌وجود آورد . . ان شاءالله . . .

*** برخی از صاحبنظران به دلیل مقام گردی های فراوان موسیقی دستگاهی ، وجود پدال را برای سنتور (برای جلوگیری از شکست هارمونیکی) ضروری می دانند . تصور می کنم عموم نوازندگا این ساز نیز در مقام گردی‌ها ، با این مشکل روبه رو شده‌اند . . از طرفی این مشکل در سنتورهای برون‌مرزی با عملکرد پدا برطرف شده است . حال از شما می پرسم برای حل این معضل اکوستیکی ، چه تفکری (برای سنتور ایرانی) اندیشیده شده است شما به عنوان سازنده سنتور ، این مشکل را چگونه توجیه می کنید**

– همان طور که گفتید ، این عیب بزرگی است که هم کمابیش با آن سروکارداریم . . . اما چه می شود کرد؟! این نیز به مانند مشکلات متعدد دیگر سنتور (ازقبیل عدم حفظ کوک ، عدم قابلیت اجرای همه دستگاهها با یک کوک)- ب این فضا- غیرقابل حل است! نه تنها در سنتور بلکه در سای سازها نیز رفع نقص و ابداع (در ساز سازی) کاملاً راکد و بی حرکت است! . . . شما ببینید ساختار سازهای ما ، از ابتدا تا به امروز چقدر دستخوش تغییر و تحول شده‌اند؟ کمانچه ، سه‌تار ، تار و . . . همه کمابیش همان سازهایی هستند که قرن ها پیش بوده‌اند! هیچ تغییر اساسی در ساختمان آنها صورت نگرفته است! حال ملاحظه کنید در چنین فضای سنتی ، اضافه کردن پدال به سنتور ایرانی مضحک نیست؟ در ضمن بسیاری از نقایص سازها ، زنجیره وار به هم وابستگی دارد . برای مثال در همین مورد ، چون فشار سیمهای سنتو بر روی صفحه ، بسیار زیاد است ، با اندکی فشار یا درموقع استفاده از پدال ، این فشار بیشتر شده و جدای فشاری که ب صفحه وارد می آید ، باعث ناکوک شدن برخی از سیمه می شود (اصطلاحاً تک سیم می دهد) . در نتیجه ، اول باید معضل حفظ کوک رفع و سبب مشکل پدال حل شود! که در این شرایط بعید به نظر می رسد . . .

*** . . . و در آخر؟**

– به عنوان یکی از کسانی که سالهاست در این راه ، طی طریق نموده برای همه اساتید بزرگواری که برای اعتلا و حفظ فرهنگ این مرز و بوم تلاش نموده‌اند ، آرزوی سلامت و سعادت دارم . آینده این حرفه را (با توجه به تحولات هرچند اندک سال اخیر) روشن ارزیابی می کنم و امیدوارم تمام معضلات این شغل ، یکی پس از دیگری برطرف شود . . .

مردان پیر پته رازهای دشت های تاریک را می گشایند

جن را بران تا خانه‌ات امن بماند

زهرا حاج محمدی

هشت مرد سفیدپوش ، سیه چرده ، موهایی تابیده ، چشم‌ها سیاه ، انبوهی از محاسن جوگندمی ، بلند فرو رفته درهم ، دندان‌ها گاه دو یا سه درمیان و عمامه‌هایی از چلوار سفید ، دور تا دور میز ، به زبانی غریب حرف می‌زنند .

پسر جوان کاپشن خاکی رنگ تن کرده ، پیراهن سفیدش تاب خورده زیر کاپشن با حرکات تن بالا و پایین می‌رود . مغرور «تو» را جانشین «شما» می‌کند . گویی به تو می فهماند که زیاد نپرسی و با آنهای دیگر جز او کاری نداشته باشی .

*** نام آنهای دیگر چیست جز خودت که سعیم بلیده هستی؟**

محمود بلیده (خلیفه گروه ، دایره زن ، خواننده گروه) ، عیسی بلیده (جانشین خلیفه ، دایره زن ، خواننده گروه) ، سلیمان در زاده (دایره زن) ، مجید بن (دایره زن ، خواننده گروه) ، عثمان بزن (دایره زن ، خواننده گروه) و منهم ، سعیم بلیده (مسئول گروه) . آن دوی دیگر را که می شناسی موسی بلوچ (دونلی زن) و سعید رئیسی (تنبور نواز و دونلی نواز) شاگرد موسی بلوچ است .

هشت مرد زاده دشتستان نیک شهرند . در دل سیستان و بلوچستان سی سال است می‌نوازند ، می‌خوانند . دوره می‌افتند در شهرها و روستاها تا جنیان را برانند . پدرانشان هم به شغل آنها بوده‌اند و پدران پدرانشان . نسل در نسل با جن جنگیده‌اند . کارشان را از عبدالقادر گیلانی گرفته‌اند . چیزی نشان می‌دهند .

*** این چیست ، (کارتی با اوراد عجیبی که عربی است و به سختی قابل خواندن) با این چه می کنید؟**

– شناسنامه ماست . شناسنامه کاری‌مان . همان سعیم بلیده می گوید . از جانب همه . گویا یاد گرفته که جای همه باشد و دیگران هم به حضورش اعتراض ندارند پیرمرد- عثمان بزن- ۷۱ سال دارد با دو دندان در فک پایین ، دو دندان نیش که بلند و محکم توی دهان خالی جای همه دندان‌های دیگر را پر کرده‌اند و گواهی می‌دهند روزگاری ردیف استخوان‌هایی سخت و با صلابت همین جا کنار او ایستاده بودند . عثمان بزن فقط گاه گاهی نگاهی می کند . بعد سرش را به پشت صندلی تکیه می دهد و با انبوه ریش بازی می کند .

*** از که شناسنامه گرفته اید؟**

– از ارشاد شهر خودمان . ۳۰ سال بیشتر است کار می کنیم . یعنی که آنها کار می کنند چون خودش فقط مجری گروه است . ساز دایره را خودشان می سازند . چوب شمی شم را از پاکستان یا بلوچستان خودشان می خرند . پوست گوسفند را خشک می کنند . پوست انار را می جوشانند و پوست را با آن سرخ می کنند . با سوزن و طناب پوست را بر گرداگرد چوب می‌بافند .

*** برای فروش هم ساز می سازید؟**

– فقط برای خودمان . بلیده جوان ، مغرور و محکم می گوید «فقط برای خودمان» .

*** این همه دایره را می خواهید چه کنید؟**

– خیلی نمی‌سازیم . وقتی نیاز داریم .

دایره بخشی از نیاز زندگی شان است . ابزاری برای حرفه .

*** شغل پدرت چیست؟**

– در مدرسه معلم از شاگردش می پرسد ، او دایره می‌زند . جن می‌راند . مردها به مراسمشان زار می گویند در سیستان خیلی رواج دارد جن‌زده را نه طبیب معالجه می کند نه حکیم و مریضخانه . پته را روی زمین می گستراند ، فرشی از حصیر یا پشم ، مشروط به این که پاک باشد از هر نجاستی ، جا اسفندی با سوچاکی (مشک) پر می شود . سوزن مخصوص (گرز) و هیزم هم آماده می شود . جن‌زده هم آن طرف‌تر با چشم‌هایی وغ زده بیرون را نگاه می کند .

*** از کجا می فهمید جن زده است؟**

– حالت‌های غریبی دارد . جسمش پیش ماست اما روحش نه . حرف‌های عجیبی می‌زند ، زبانش زبان اجنه است .

اگر جن قطر آمده باشد یا مسقط ، دبی ، گواتر در پاکستان ، یا زنگبار ، جن زده به اردو ، عربی یا زنگباری حرف می‌زند ، آب می خواهد ، شیرینی یا شربت . مردها می نوازند شش شب یا پنج شب ، جن را می تارانند تا روز بعد جن دیگر باز نگردد .

*** وقتی جن رفت چه می شود؟**

– گوسفندی می کشند . یک ، دو دیگ برنج دم می کنند . گوسفند را با کله و پاچه پخشش می کنند . شیرینی پخش می کنند .

زار با بسم‌الله و سلام شروع می‌شود . بعد الله یا نبی‌رسول الکریم ، بعد شیناا . . . یا پیر ، یا نبی سلام علیکم و خوانندگان از جهت قبله اوراد را رو به سوی چهار قبله می خوانند گاه دو ساعت یا بیشتر طول می کشد . بعد ارواح خبیثه می روند .

*** جن‌زده خوب می شود؟**

– اگر استاد تأیید کند و اگر جن قبول کند . اما جن برمی گردد بعد از چهار سال ، استاد جن را قسم می دهد تا چهار سال که سراغ جن زده نیاید اما جن بعد از چهار سال برمی گردد .

*** چرا و چگونه؟**

– آیا شما دوست دارید شما را از خانه‌تان بیرون کنند؟

عیسی بلیده این را می گوید .

*** نه .**

– جن هم نمی خواهد از خانه‌اش بیرون برود برای همین است که برمی گردد . می گویند کسی که جن را اذیت کند ، اجنه او را خواهند کشت . اجنه برای این مردم مظهری از ترس و قدرت‌اند . ارواح خبیثه در جای جای این سرزمین تاریک ، در دل کوه و بیابان‌های عریض و خفته در سایه ترسناک درختان مثل ساکنان واقعی زمین زندگی می کنند . آنها عروسی دارند ، همان‌طور که عزا و ماتم . ساکنان این سرزمین چاره‌ای ندارند جز آن که اجنه را در میان خود بپذیرند هرچند که می خواهند آنها را از میان خود برانند . آنها آموخته‌اند سهمی از زمین خود را متعلق به اجنه بدانند و به حریمشان وارد نشوند .

*** چرا گروهتان را پیر پته می گویند . پیرپته یعنی چه؟**

– همان فرشی است که زیر پا می اندازیم و باید پاک باشد . پیرپته همان مالد است یعنی دایره زنان .

مردان گروه پیرپته آموخته‌اند هنر خود را مصروف دفع ارواح خبیثه کنند . موسیقی آنان ترکیبی از اوراد مذهبی و صدای دایره‌ای است که با حرکات بدن توامان می شود . پیرپته‌ای‌ها طوری از این هنر سخن می گویند که گویی هنرشان تنها ملک آنهاست . آنها و پدران آنها موسیقی را با آوای دایره و زمزمه‌های مذهبی در هم آمیخته‌اند .

محمود بلیده ، ۵۸ ساله ، با ۴ پسر و ۵ دختر ، عثمان بزن ۷۱ ساله با ۵ فرزند ، سلیمان درزاده با هفت سر عائله ، مجید بن ۷۰ ساله با ۳ دختر و ۳ پسر و عیسی بلیده ۵۶ ساله با ۶ فرزند به جای کارگری یا کشاورزی یا هر شغل دیگری نوازندگی را پیشه اصلی زندگی خود کرده‌اند . مردان پیرپته دلخوش هستند به وعده‌های مدیر ارشاد شهر کوچک نیک شهر و آن چند هزار تومنی که در پایان است مستمری ماهانه‌شان باشد . آنها آمده‌اند تا دل را با خود همراه کنند تا آنها را به مرز بی نیازی نزدیک‌تر نماید .

*** آقای بلوچ شما هم اهل گروه زار شده‌اید؟**

– من ، هم برای زارها دونلی می‌نوازم ، هم برای عروسی‌ها یا مراسم دیگر . بلوچ مدتی پیش برای شرکت در برنامه‌ای در سوئد ترکیه دعوت شده بود اما مشکل سربازی‌اش و نداشتن پاسپورت ، سفر را غیرممکن ساخت .

*** هنوز کارت پایان خدمت نگرفته‌ای؟**

– من تک فرزند هستم و معاف هستم ، اما تا آن وقت که دعوت شده بودم کارت نگرفته بودم .

*** باز هم با موتور تا کرمان آمده‌ای؟**

– این بار نه (می خندد) .

جشنواره برای بلوچ منزل امیدی برای سامان دادن به دو چیز شده ، به هنرش و به روشی که با آن شاگردانی را باید تربیت کند و زندگی و خانه‌ای که باید تأمین کند . زن و چهار فرزندش چشم به دست‌هایی دارند و او که حرفه‌اش با نفس‌ها و بند انگشتانش روزی را به خانه می‌برد .